



دولت دربی مهار بیک پنجم کرونا

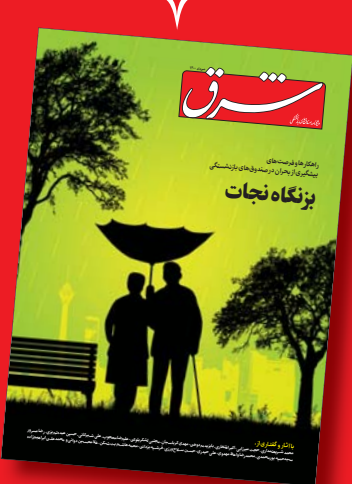
### دولت سیزدهم به دنبال واردات واکسن

گروه سیاست: بیک پنجم کرونا، اوضاع و شرایط کشور را عجیب پیچیده کرده است؛ از طرفی دولت تغییر کرده و ابراهیم رئیسی در انتظار رای اعتماد پارلمان به کابینه‌اش است و از طرفی دیگر تعطیلات آخر هفته و برگزاری مراسم‌های عزاداری...

صفحه ۲

شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ ۵ محرم ۱۴۴۳ ۱۴ گوست ۲۰۲۱

ضمیمه اول هفته



راهکار ها و فرصت های پیشگیری از بحران در صندوق های باننشستگی

## بزنگاه نجات

حجت میرزانی، معاون وزیر کار و رفاه اجتماعی

## اصلاحات ناگزیر

محمد شریعتمداری، وزیر کار و رفاه اجتماعی

## معجزه مدیریت

مدیرعامل صندوق باننشستگی: صندوق برای خروج از بنگاهداری بورسی شدن را در پیش گرفت

با آثارو گفتاری از:

بایزید مردوخی، مهدی کرپاسیان
مجتبی لشکریپلوکی، علیرضا محجوب
علی شیرکانی، حسین عبده‌تبریزی، رضا مسرور
سیدحمید پورمحمدی، محمد رضا واعظ‌مهدهوی
علی حیدری، حسن سلاح‌ورزی، فرشیدیزدانی
محمد هاشم پشت‌شکن، غلامحسین دوانی
و محمدعلی ابراهیم‌زاده

حرف اول

### پیام یک عکس

**غلامرضا حداد** - عضو هیئت‌علمی دانشگاه



اقدام سفارت روسیه در انتشار عکسی که کنفرانس تاریخی تهران را شبیه‌سازی کرده با واکنش‌های رسمی و غیررسمی زیادی در ایران مواجه شده است. اما پیام این عکس واکنش به آن را چگونه می‌توان تحلیل کرد:

۱- علاقه‌مندان به روسیه و البته آتانی که به واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی رویکردی جوهرگرایانه دارند، تلاشی ناگام می‌کنند در اینکه معنای عکس و نیت انتشار آن را به یادبودی متعارف از یک رویداد تاریخی یا خطایی حرفه‌ای از طرف آقای سفیر تقلیل دهند. زبان دیپلماسی، زبانی دقیق در نشانه‌ها و نمادها است. در دیپلماسی نه‌تنها انتخاب واژگان بلکه لحن و فرکانس صدا، نوع نگاه و لبخند، شیوه دست‌زدن و میزان و طول فشردن دست و حتی رنگ لباس دیپلمات معانی اختصاصی خود را دارند؛ همان‌طورکه ورود و خروج دیپلمات‌ها به جلسه، چیدمان صندلی‌ها و ترتیب ایستادن‌ها مبتنی بر پروتکل‌های دقیق تنظیم می‌شود. پس تقلیل‌دادن رویدادی طراحی‌شده توسط یک دیپلمات برجسته مبتنی بر دعت و همراهی با دیپلماتی هم‌تراز، میزانسن صحنه عکاسی و نهایتا تصمیم به انتشار عکس بی‌توجه به ابعاد معنایی آن، به یک یادبود یا یک خطای حرفه‌ای تحلیل ساده‌انگارانه محسوب می‌شود.

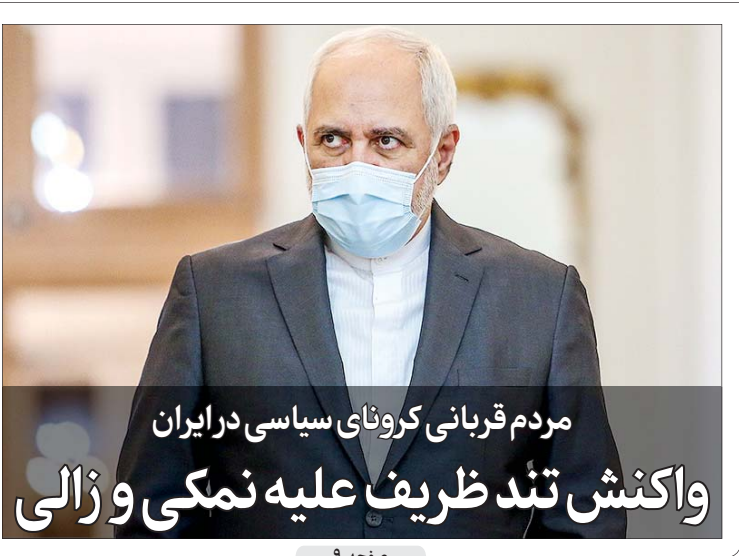
۲- نیت فرستنده پیام، به پیام پیوست نیست؛ بلکه از طریق ساختار پیام بیان شده و توسط گیرنده پیام معناکاو و رمزگشایی می‌شود. گیرندگان پیام، متناسب با زمینه‌ای که در آن زیست می‌کنند و در قالب نظام پردازش معانی که در بین‌الذهان جمعی خود دارند، تفسیر و روایت خود را بر پیام بار می‌کنند. نشانه‌شناسی، دانش رمزگشایی از ساختار پیام و تحلیل روایت، دانش فهم روایت‌های درون بین‌الذهان مخاطبان است. از طرفی هر پیامی می‌تواند طیفی از مخاطبان را در بر گرفته و معانی متفاوتی برای آنان به همراه داشته باشد. تصور نمی‌کنم مخاطب هدف اقدام آقای سفیر جامعه ایرانی باشد. اگرچه بیشترین واکنش را در میان آنان برانگیخته است. اگر عکس را نه در پس زمینه تاریخی بلکه در زمینه سیاسی امروز نشانه‌شناسی کنیم، می‌توانیم مخاطب اصلی آن را شناسایی کنیم. اقتدارگرایی کنونی روسی، ارتباط اندکی به دیپلماسی عمومی داشته و اقدامات رسانه‌ای برون‌مرزی این کشور نیز بیشتر از جنس ایجاد اختلال در نظام اطلاع‌رسانی دولت‌های رقیب است تا ایجاد طریق فرهنگی در جوامع آنها...

# مخالف خوانی‌ها با کابینه

سه‌میه وزارت اطلاعات به جبهه پایداری نرسید

گروه سیاست: کابینه رئیسی با وجود همه انتقادها به آن سوی چهره‌ها و جریان‌های غیراصولگرا گویا رضایت خود اصولگرایان را هم به دنبال نداشته، از خط‌ونشان مجلس تا جبهه پایداری؛ جریانی که حرف و حدیث‌های زیادی درباره سهم‌خواهی‌شان از کابینه پیر‌تر به گوش می‌رسید. قاسم روانبخش، عضو این جبهه، با انتشار نامه‌ای سرکشاده به رئیسی با انتخاب حجت‌الاسلام خطیبی به‌عنوان وزیر اطلاعات مخالفت کرده. مشخص است که این جریان سیاسی

مشرح گزارش را در صفحه ۲ بخوانید



مردم قربانی کرونای سیاسی در ایران

## واکنش تند ظریف علیه نمکی وزالی

صفحه ۹

یادداشت

## نمره منفی به خاطر نقض حکم علمی نیست

دارند. چگونه می‌توان برای صادرکنندگان چنین آرایه نمره منفی برقرار کرد؟ تفسیر درست این پندار مفید این معناست که هر رای منقوضی مستوجب نمره منفی است؛ با این وصف باید همه قضاتی را که در گروه اقلیت قرار می‌گیرند، سرزنش کرد! همین‌طور ششمار فراوان آرایه را که در مراحل عادی شکایت گسیخته می‌شود، در این بوته قرار داد! چگونه چنین امری امکان‌پذیر است؟ دیری نخواهد پایید که قاطبه قضات محاکم و حتی شعب دیوان عالی دارای نمره منفی خواهند شد! و اساسا آیا دادگستری سامانه مشخصی برای ثبت و ضبط چنین آماری در اختیار دارد؟ چه‌بسا همین رای نهایی که زمینه نمره منفی برای قضات صادرکننده رای منقوض فراهم کرد، اندکی بعد به استناد همان ماده ۲۷۷ نقض شود (امری که محال نیست). در این صورت دوباره باید در سامانه دخل و تصرف کرده و لیست قضات دارای نمره منفی را جابه‌جا کرد! به علاوه هر نوع واکنش انتظامی مستلزم تخلف‌انگاری از سوی قانون‌گذار است. در قانون نظارت بر رفتار قضات چنین عنوانی در ردیف تخلفات مستوجب تنبیه در مواد ۱۳ و ۱۴ قرار نگرفته است. اگر منظور، توصیف تخلف انتظامی نیست باید به نحو شفاف تبیین شود ماهیت این اقدام‌های آرای قضاتی که در این فرآیند رأی منقضی است وحدت نظر در نزد قضات، رویه یکنواخت مراجع آدراری در رویارویی با موضوعات واحد، ثبات تصمیمات و اتقان مبانی و استدلال مقبول در رای نتایج نیکوی فراوانی دربی دارد:

- به عدلیه اعتبار می‌بخشد.

- از خرج بیهوده هزینه‌ها جلوگیری می‌کند.
- مناسبات شهروندان را در مسیر ثابت و مشخصی استوار می‌کند.

- انباشت پرونده‌ها و زادوولد درگیری‌ها را تعدیل می‌کند و... اما در نیل به این مقصود باید برنامه دقیق طراحی کرده، آموزش دادرسان را جدی گرفته و پیش از آن بستر تولید نظرات چندانکه را مرتفع کرد. یک پیش‌زمینه مهم وضع مقررات هماهنگ و هدفمند و تقیح جریان قانون‌گذاری است. از سویی در سیستم دادرسی ما باب شکایت از رای ولو مکرر مفتوح است و اعاده دادرسی موضوع ماده ۴۷۷ ق ا د ک و نظارت شرعی بر آرا به دفعات و تا هر زمان امکان‌پذیر است. در این وضعیت وقتی دادنامه‌ای به دفعات دگرگون می‌شود چگونه می‌توان برای همه قضاتی که در این فرآیند رأی مخالف (منقوض) صادر کردند، عقاب و تنبیه در نظر گرفت؟ شمار قابل توجهی از آرا که در فرآیند اعاده دادرسی نقض می‌شود، صادره از شعب دیوان عالی کشور است و برخی از این آرا متکی به مبانی درست و تحلیل قوی است و در انشای آن چندین قاضی دخالت

ادامه در صفحه ۲

# روزنامه شرق

آخر هفته برابر قوه قضائیه

### آزادی مشروط و مرخصی برای زنان بند امنیتی

گروه سیاست: روزهای گذشته، برای دستگاه قضا پرخبر بوده است و در ادامه بازدیدهای رئیس قوه قضائیه، بیمارستان امام خمینی کرج بعد از پنج سال وقفه، با حمایت قوه قضائیه به خرجه درمانی کشور بازگشت. بیمارستان فوق تخصصی...

صفحه ۳

سال هجدهم شماره ۴۰۴۷ ۱۲ صفحه+ ۱۲۸ صفحه ویژه‌نامه ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

### دولت سیزدهم، دولتی متفاوت؟

احمد غلامی - سردبیر



با اینکه در کابینه دولت سیزدهم برخی چهره‌های آشنا دیده می‌شود، اما درنهایت دولت به دست چهره‌های ناآشنایی خواهد افتاد که در عرصه عمومی چندان شناخته‌شده نیستند. البته برخی از همین چهره‌های ناآشنا در دولت‌های پیشین سمت‌هایی داشته‌اند و با بوروکراسی دولتی آشنا هستند. این وزرای پیشینهادی ناشناخته چون پرونده و سابقه کاری عیان‌ی ندارند، کمتر مورد قضاوت قرار گرفته و دولت سیزدهم می‌تواند بدون تنش پیش برود. این فرصت، فرصت مغتنمی است که اعضای دولت در کوتاه‌مدت از انتقاد (دسترسی) در امان باشند. رئیس دولت نیز از این قاعده مستثنا نیست. اگرچه رئیسی سابقه کارهای مدیریتی و اجرایی دارد و مردم می‌توانند درباره او به قضاوت بنشینند، اما چون او تاکنون در پست‌های انتخابی نبوده، این فرصت را دارد که به دور از انتقاد، چهره‌های تازه از خود نشان دهد. این ویژگی یعنی غیر قابل دسترس بودن، به معنای قضاوت‌ناپذیری در کوتاه‌مدت و میان‌مدت فرصت درخشانی است تا دولت سیزدهم جامعه توده‌ای ایران را مجدداً بازسازی کند. «جامعه توده‌ای به معنای وضعیتی است که در آن، مجموعه‌ای از افراد فقط از طریق رابطه خود با مراجع مشترک -به‌ویژه دولت- با هم ارتباط دارند؛ به عبارت دیگر در این جامعه ارتباط مستقیمی میان افراد از طریق انواع گروه‌های مستقل وجود ندارد. جمعیتی که در چنین وضعیتی قرار دارد، در مقابل گروه حاکم و همچنین عناصر درون خود کاملاً بی‌حفاظ است. حفاظت و مصونیت مستلزم وجود نوع‌انوسی از انجمن‌های مستقل و غالباً متعارض است که هر یک از آنها باید به قدری قوی باشد که بتواند از استقلال افراد در مقابل تهدیدها پاسداری کند».

جامعه ایران به‌ندرت در وضعیت جامعه کثرت‌کرا بوده است و اغلب دولت‌های ایران بدون استثنا از دوش جامعه توده‌ای روی کار آمده‌اند. همین امر موجب حساسیت نهاد‌های رسمی کشور شده و خواسته یا ناخواسته آنان را در برابر دولت قرار داده است. بدیهی است که برخی از این رویارویی‌ها به دلیل تعارض منافع بوده است؛ اما همین تسلط بر جامعه توده‌ای، تعارض منافع را عمیق‌تر کرده است. دولت خاتمی با یک جامعه توده‌ای روی کار آمد و در مسیر خود برای ماندگاری دولت و ایده‌هایش تلاش کرد به سمت جامعه‌ای کثرت‌کرا‌کام برآورد. جامعه‌ای با نهاد‌های مستقل که افراد آن صرفاً از طریق دولت مشکل نشود. این نهادسازی و اعتنا به مردم و نهادهای خصوصی چنان حساسیت‌برانگیز شد که ادامه کار را برای دولت اصلاحات بسیار دشوار کرد. دولت اصلاحات می‌دانست برکشیده جامعه توده‌ای است با این تفاوت که در دل این جامعه، طبقاتی با علقه‌های سیاسی و فرهنگی وجود دارند که این جامعه توده‌ای را به تحسّر وامی‌دارند؛ از‌این‌رو دولت خاتمی مصمم شد به یاری این طبقات به دولتی فراطبقاتی دست پیدا کند. استراتژی‌ای که به دلیل مخالفت نهاد‌های رسمی با این رویکرد و بیش از آن عدم باور اطرافیان پرنفوذ خاتمی به یک دولت فراطبقاتی، باعث شد این شیوه دولت‌داری شکل بگیرد. دولت فراطبقاتی قادر بود پروژه جامعه توده‌ای ایران را برای مدتی به محاق ببرد. ناگفته پیداست که هر جامعه طبقاتی باز مستعد توده‌ای‌شدن است. توده‌ای‌شدن به این معناست که بسیاری از مردم عضو هیچ گروه و طبقه اجتماعی نباشند. در جامعه توده‌ای، طبقات حضور دارند و به حیات خود ادامه می‌دهند اما نقشی جدی در رخداد‌های سیاسی نخواهند داشت. قبل از آنکه به دولت احمدی‌نژاد بپردازیم، باید گفت دولت روحانی با توان یک جامعه توده‌ای ممکن شد اما این دولت به تضادها و تنش‌های طبقاتی دامن زد. تضادهایی که از دل آن شکاف‌های طبقاتی عیان شد. حوادث دی و آبان ۹۸ نمونه بارز این تنش طبقاتی است. دولت احمدی‌نژاد یکی از قوی‌ترین دولت‌های برخاسته از جامعه توده‌ای است؛ چراکه احمدی‌نژاد بیش از هر رئیس دولت دیگری انگیزه بهره‌برداری از جامعه توده‌ای را داشت. او با آگاهی از وضعیت و توان توده‌سازی خود تلاش کرد دست پیش را بگیرد و نهادهای رسمی را که به ظاهر با آنان مهدلی نشان می‌داد، در بزنگاهی غافلگیر کند. احمدی‌نژاد کاریزمای لازم را برای این کار داشت، چیزی که روحانی فاقد آن بود؛ او چهره‌ای کاریزماتیک نبود. اغراق نبیست اگر بگوییم روحانی در این مورد در میان رؤسای جمهور یگانه است.

ادامه در صفحه ۲

گزارش مراسم نکوداشت استاد فضل‌الله صلواتی

# مجاهدان پیش از فتح

میثمی و صلواتی به روایت سید حسن خمینی

با یادداشت‌هایی از سید محمود حسینی و مصطفی ایزدی

صفحه‌های ۲ و ۸

یادداشت

## تأملی در اقتصادیات واکسیناسیون

جمعیت بیمار امکان ارائه خدمات بیمارستانی در سطح مطلوب برای همه بیماران فراهم نخواهد بود. برای قضاوت بهتر در مورد سخنان آقای قاضی‌زاده باید اختلاف هزینه واکسیناسیون با فایزر و سینوفارم را با تفاوت میزان شیوع بیماری و مرگ‌ومیر در دو حالت مقایسه کنیم. با عنایت به قیمت اعلام‌شده، هزینه تأمین واکسن فایزر با کیفیت قدری بهتر از سینوفارم برای کل شهروندان کشور در مقایسه با سینوفارم تقریباً ۹۸۸ میلیون دلار بالاتر است؛ به بیان دیگر اگر مسئولان تصمیم می‌گرفتند به جای واکسیناسیون سرتاسری با سینوفارم از واکسن فایزر استفاده کنند، باید ۹۸۸ میلیون دلار بیشتر هزینه می‌کردند. اما در مقابل درصد گسترش بیماری، درصد مرگ‌ومیر و تعداد خانواده‌های عزادار کمتر از میزان فعلی می‌بود. اگر این فرض معقول را بپذیریم که تفاوت درصد مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در کشور ما متوسط جهانی می‌تواند برآورد مناسبی برای تفاوت میزان مرگ‌ومیر در دو حالت (فایزر به جای سینوفارم) باشد، عملکرد فایزر از سینوفارم مختصری بهتر است. اما این «بهتربودن» ارزش چنین قیمت بالایی را ندارد. این درست است که لزوماً هر «بهتربودن» نمی‌تواند و نباید صرف‌کننده را وادار کند تا قیمتی بسیار گزاف برایش بپردازد، اما باید ارزیابی درستی از دو طرف معادله داشت تا شایم تا مقایسه درستی انجام داده و تصمیم درستی بگیریم. حال سؤال این است که آیا آقای قاضی‌زاده ارزیابی درستی از دو طرف معادله دارند؟ فرض کنیم ارقامی که ایشان درباره میزان درصد ایمنی دو واکسن و قیمت جهانی این دو ارائه می‌کند، درست باشد. هرچند به دلیل محاسبه نادرست ایشان از نسبت قیمت‌ها، تردید در مورد این درستی، نامعقول نیست. زیرا ایشان عدد ۱۵ را پنج الی شش برابر ۳۰۵ اعلام می‌کند تا این ارزیابی به ضرر فایزر تمام شود. همچنین فرض کنیم امکان تحویل دو واکسن به کشورمان از نظر زمان بندی و تعداد دقیقاً مساوی بوده و از همان زمان که امکان تأمین فایزر برای کشورمان فراهم شد، امکان تأمین سینوفارم هم به همان میزان وجود داشته؛ به بیان دیگر موقتاً تاخیر در عرضه سینوفارم را نسبت به فایزر نادیده می‌گیریم. حال اگر با این دو فرض، میزان ایمنی دو واکسن را مقایسه کنیم به نتیجه معنی داری می‌رسیم؛ پنج درصد از کسانی که واکسن فایزر برایشان تزریق شده، در معرض ابتلا هستند. این عدد در مورد سینوفارم به هفت درصد می‌رسد، یعنی با انتخاب سینوفارم به جای فایزر در شرایط برابر جمعیت در معرض خطر بیماری در کشور ۴۰ درصد افزایش می‌یابد (هفت در مقایسه با پنج). طبعاً با افزایش جمعیت بیمار، مرگ‌ومیر هم به همین نسبت و بلکه بیشتر افزایش می‌یابد. زیرا با افزایش

ادامه در صفحه ۲



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

آقای امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو ستاد ملی مقابله با کرونا، چندی پیش درباره پرونده واکسیناسیون مطالبات قابل تأملی گفته‌اند. هرچند بسیاری از نکات مورد نظر ایشان قابل نقد و بررسی و حاشیه‌نگاری است، بااین‌حال در این یادداشت فقط به یک نکته از بیانات ایشان در برنامه تلویزیونی تهران بیست می‌پردازم. ایشان معتقد است ایمنی ایجادشده با واکسن فایزر فقط دو درصد از واکسن سینوفارم بیشتر است (۹۵ درصد درمقایسه با ۹۳ درصد). اما قیمت فایزر از سینوفارم خیلی بالاتر است (۱۵ دلار در مقایسه با ۳۰۵ دلار). پس از نظر اقتصادی توجیهی ندارد که واکسنی تا بدین‌حد گران خریداری کنیم، به بیان دیگر ایشان می‌گوید هرچند عملکرد فایزر از سینوفارم مختصری بهتر است، اما این «بهتربودن» ارزش چنین قیمت بالایی را ندارد. این درست است که لزوماً هر «بهتربودن» نمی‌تواند و نباید صرف‌کننده را وادار کند تا قیمتی بسیار گزاف برایش بپردازد، اما باید ارزیابی درستی از دو طرف معادله داشت تا شایم تا مقایسه درستی انجام داده و تصمیم درستی بگیریم. حال سؤال این است که آیا آقای قاضی‌زاده ارزیابی درستی از دو طرف معادله دارند؟ فرض کنیم ارقامی که ایشان درباره میزان درصد ایمنی دو واکسن و قیمت جهانی این دو ارائه می‌کند، درست باشد. هرچند به دلیل محاسبه نادرست ایشان از نسبت قیمت‌ها، تردید در مورد این درستی، نامعقول نیست. زیرا ایشان عدد ۱۵ را پنج الی شش برابر ۳۰۵ اعلام می‌کند تا این ارزیابی به ضرر فایزر تمام شود. همچنین فرض کنیم امکان تحویل دو واکسن به کشورمان از نظر زمان بندی و تعداد دقیقاً مساوی بوده و از همان زمان که امکان تأمین فایزر برای کشورمان فراهم شد، امکان تأمین سینوفارم هم به همان میزان وجود داشته؛ به بیان دیگر موقتاً تاخیر در عرضه سینوفارم را نسبت به فایزر نادیده می‌گیریم. حال اگر با این دو فرض، میزان ایمنی دو واکسن را مقایسه کنیم به نتیجه معنی داری می‌رسیم؛ پنج درصد از کسانی که واکسن فایزر برایشان تزریق شده، در معرض ابتلا هستند. این عدد در مورد سینوفارم به هفت درصد می‌رسد، یعنی با انتخاب سینوفارم به جای فایزر در شرایط برابر جمعیت در معرض خطر بیماری در کشور ۴۰ درصد افزایش می‌یابد (هفت در مقایسه با پنج). طبعاً با افزایش جمعیت بیمار، مرگ‌ومیر هم به همین نسبت و بلکه بیشتر افزایش می‌یابد. زیرا با افزایش

ادامه در صفحه ۲